طرح سه دسته روایات شیعه راجع به قرائات در مقدمه تبیان

خلاصه اینها را بلند بالا می‌آورند، تا آن جا که می‌فرمایند «السابع الاختلاف فی الزیادة و النقصان»، صفحه نهم است. دو صفحه فاصله شده است. در همین وجه هفتم شیخ چه مثال‌های خوبی می‌آورند. نسخه تبیان به این صورت است که برای آن خیلی زحمت کشیده‌اند. آقایانی که پی کار را گرفته‌اید یکی از چیزها این است چاپ جدید یا تحقیق جدید شده یا نه؟

شاگرد: تحقیق جدید دارد می‌شود. به نظرم دو جلدش هم چاپ شده.

استاد: بسیار خب، ما این مقدمه را کار داریم تا ببینیم نسخه‌های اینجا چطور شده.

تا به اینجا می‌رسند که «فإنّ اللّٰهَ وُ الغَنيُّ الحَميدُ و ان الله الغني الحميد. في سورة الحديد»، بعد می‌فرمایند: «و هذا الخبر عندنا»؛ باز دارند یک روایتی را می‌گویند. روایتی نزد ما شیعه هست؛ این الخبر کدام است؟

شاگرد: همان الشایع فی اخبارهم است.

استاد: قطعاً آن نیست. شیخ سه دسته روایت را ذکر می‌کنند. اول فرمودند «الشایع فی اخبارهم ان القرآن نزل علی حرف واحد»، بعد گفتند سنی ها مفصل دارند و ادعای تواتر می‌کنند که «ان القرآن نزل علی سبعة احرف». مقابل حرف واحد این را می‌گویند. بعد از اینکه راجع به سبعة احرف وجوه و اقوال را به تفصیل گفتند می‌فرمایند «و هذا الخبر عندنا» که همان دومی است. پس این نوع دومی است که غیر از حرف واحد است. قبلی روایاتهم بود که حرف واحد است. هذا الخبر یعنی خبر سبعة احرف، «عندنا»؛ یعنی نزد ما متواتر نیست و شیوع ندارد، بلکه خبر واحد است. پس این دوم نوعی است که از روایات شیعه نقل می‌کنند. زیر «هذا الخبر عندنا» خط بکشید.

«و ان کان خبراً واحداً لا یجب العمل به فالوجه الأخیر أصلح الوجوه»؛ وجه اخیر همانی است که به تفصیل گفتند. بخشی بود که ابن جزری سی سال روی آن فکر کرد. اینها از افتخارات تبیان و شیعه است. ابن جزری شما می‌گویید روی آن سی سال فکر کردم اما چندین قرن قبل از ابن جزری شیخ الطائفه شیعه فرموده اگر وجه درستی باشد همین است. یعنی حاصل سی سال فکر او را شیخ با یک اشاره بیان می‌کنند. البته ابن جزری می‌گوید که من از اینها خبر نداشتم. سی سال روی آن فکر می‌کردم وبعد از اینکه حل شد دیدم که دیگران هم قبلاً آن را گفته‌اند.

شاگرد:...

استاد: «فالوجه اخیر» یعنی «فالوجه الخیر فی توجیه و فهم المعنی».

شاگرد: با «فاء» نمی‌خواند.

استاد: حال ببینید نسخه‌های دیگر به چه صورت است.

«**فالوجه الأخير أصلح الوجوه‌علي ما روي**»؛ زیر ما روی هم خط بکشید. «عنهم علیه السلام من جواز القراءة بما اختلف القراءة فیه». پس شیخ در اینجا سه روایت امامیه نقل کرده‌اند. یکی روایت «القرآن حرف واحد» است. یکی روایت «ان القرآن نزل علی سبعة احرف». یکی روایت «اقرئوا کما یقرء الناس» است. اینها در کافی هست. شیخ در اینجا می‌گویند امامیه در اینجا سه دسته روایت دارند. قرار بود که من کل جلسه را راجع به این توضیح بدهم که رفت. ان شاالله زنده بودم شنبه. ما که زیر این سه کلمه خط کشیدیم شیخ می‌خواهند چه بگویند؟ با این سه دسته چه کار کرده؟ دو تا جفت کرده‌اند. آخر کار دافع حدیث سبعة احرف سنی را حرف واحد قرار داده‌اند. جاذب سبعة احرف شیعی را حدیث «اقرئوا کما یقرء الناس» قرار داده‌اند. خلاصه عرض من این است. دقت کنید. یعنی شیخ روایت شیعه را به این صورت جمع کرده‌اند. فرموده‌اند «حرف واحد» دافع «سبعة احرف» سنی است؛ دافع آن چیزی است که آنها می‌گویند. در عباراتشان هم هست، بعداً عرض می‌کنم. اما بین ما امامیه دو روایت داریم که جاذب است؛ اقرئوا کما یقرء الناس، جاذب سبعة احرف شیعه است. یعنی ما خودمان حدیث سبعة احرف داریم که موید و جفت کننده و معین کننده آن روایت «اقرئوا کما یقرء الناس» است. سنی ها هم بین خودشان روایت سبعة احرف دارند، دافع چیزی که آنها می‌گویند حرف واحد ما شیعیان است.

پس ما سه دسته روایت داریم که یک دسته از آنها دافع حرف آنها است. دو دسته آنها هم مفسر و هم جاذب هم هستند.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #2
ایجاد شده 16 آوریل 2024 12:56:42 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 مه 2024 12:06:47 توسط ... .